

بررسی پیامدهای عضویت ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای

حبیب‌الله جمشیدی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حجت مهکویی^۱

گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهناز گودرزی

عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مهدی مؤمنی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

چکیده

امروزه با پیچیده‌تر شدن تهدیدات جهانی امنیتی، سازمان‌های جهانی را در حل مسائل و بحران‌های بین‌المللی با مشکل مواجه نموده است، لذا کشورها را متوجه تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای نموده تا بتوانند در چارچوب محدودتری منافع ملی و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی را دنبال کنند. از این رو پژوهش حاضر درصدد بررسی پیامدهای عضویت ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای است. پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، به بررسی موضوع امنیت و سیستم امنیت منطقه‌ای می‌پردازد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، سایت‌های اینترنتی به مسئله تحقیق پرداخته شده است. پرسش اصلی مقاله آن است که: عضویت ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای چه پیامدهایی برای ایران در پی خواهد داشت؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عضویت جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی باعث کاهش حجم تهدیدات، ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌ها در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی شده و افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. بنابراین موضوع حاضر، در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امنیت، ایران، آسیای مرکزی، منافع ملی، امنیت منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای

مقدمه

آسیای مرکزی به دلیل اهمیت خاص ژئواستراتژیک خود چه پیش و چه پس از فروپاشی شوروی جایگاه ویژه در سیاست‌های جهانی داشته و دارد و پیوسته در کانون توجه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. منطقه مذکور به دلیل داشتن ذخایر سرشار نفت و گاز جذابیت زیادی برای بازیگران داخل و خارج منطقه ایجاد کرده و همین امر تبدیل آن به عرصه رویارویی و رقابت را به دنبال داشته و باعث تشکیل نظام امنیتی جدید در این منطقه شده است. این مسئله بر جمهوری اسلامی ایران که دارای مرزهای طولانی با همسایگان خود (با بیش از ۱۵ همسایه) تأثیر مستقیمی داشته است؛ حضور و اثرگذاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متعدد در این کشورها به ویژه در حوزه کشورهای منطقه آسیای مرکزی می‌تواند بر روابط دوجانبه این کشورها با جمهوری اسلامی ایران اثر گذار باشد. آنچه اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را نشان می‌دهد به قرار زیر است: اولاً؛ درک این واقعیت ضروری است که آسیای مرکزی همیشه و بویژه در شرایطی که شاهد «بازی بزرگ جدید» هستیم، نقش مهمی در معادلات و توازن قوای قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه ایفاء می‌کند. بی‌جهت نیست که مرحله جدید رقابت بازیگران منطقه‌ای و جهانی در آسیای مرکزی به عنوان «بازی بزرگ جدید» شناخته می‌شود و این امر گواه جایگاه مهم و اهمیت خطیری است که این منطقه از لحاظ منافع اصلی ابرقدرت‌ها دارد. به همین دلیل، پژوهش حاضر تلاش کرده است نه تنها تهدیدهای امنیتی در منطقه، بلکه شکل‌گیری نظام امنیتی در آن که برای ایران دارای اهمیتی حیاتی است، را نیز مورد بررسی قرار دهد؛ ثانیاً، افزون بر اینها، یکی از ضرورت‌های علوم سیاسی معاصر، تجزیه و تحلیل جایگاه و امنیت آسیای مرکزی در رابطه با تغییر و تحولات آتی جهانی و نظام امنیتی موجود و اثرگذاری آن بر فرایندهای چند سویه این منطقه و خارج از آن است. سازمان همکاری شانگهای^۱ که عمدتاً کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی در آن عضو هستند به عنوان یک سازمان منطقه‌ای می‌تواند در ارتقاء امنیت ملی ایران تأثیر گذار باشد. مسئله مورد پژوهش در این مقاله که با روش کیفی و ماهیت روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی به بررسی مسائل و عوامل تأثیرگذار بر فرایند شکل‌گیری اتحادهای مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - امنیتی در چارچوب نظام امنیتی در آسیای مرکزی و شرایطی که به اتحاد و یکپارچگی میان کنشگران سیاسی و بازیگران ژئواستراتژیک جهانی و منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران که درگیر رقابت در این منطقه هستند، می‌پردازد. بنابراین، موضوع حاضر در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

بیان مسئله

در این دنیای جهانی‌شدن، برای دستیابی به اهداف و منافع ملی و برقراری امنیت، ائتلاف با دیگران در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است. زیرا هزینه بازیگر منزوی بخاطر دوری جستن از ائتلاف‌ها گزاف‌تر خواهد بود. با مفروض دانستن این مسأله، دولت‌ها باید به این نکته توجه نمایند که کدام گروه از کشورها و در چه نقطه‌ای از جهان برای او سودمندی بیشتر داشته و با هویت ملی‌اش سازگارتر است. منطقه‌گرایی به عنوان همکاری

^۱. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

متقابل تعدادی از کشورهای مختلف یک منطقه که در جهت اهداف معینی تشکل یافته‌اند و با توجه به اهداف مورد نظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی (دفاعی) و یا ترکیبی از آنها برای منطقه تعریف می‌شود. منطقه‌گرایی نه تنها دلالت بر افزایش فعالیت‌ها بین کشورهای دارد که در یک منطقه قرار دارند، بلکه به معنی نوعی تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آن‌هاست که باعث می‌شود فعالیت‌های اقتصادی هرچه بیشتر در سطح منطقه و در یک محدوده جغرافیایی سازماندهی شوند. ایران در چارچوب برنامه‌های انرژی رسانی و تأمین دسترسی کشورهای محصور در خشکی به دریاها آزاد می‌تواند جغرافیای اقتصادی منطقه را دگرگون کند. لذا عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌های برقراری هژمونی منطقه‌ای ایران در خاورمیانه را فراهم نماید. (Hajiyosafi & Alvand, 2008: 185) در عرصه جغرافیایی، پیمان شانگهای در هارتلند قرار دارد که پس از فروپاشی شوروی اگرچه گمان می‌رفت هارتلند موقعیت خود را از دست داده است، اما اکنون هم برای روسیه و هم برای دیگر قدرت‌ها از جمله جریان‌های افراطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین مسئله اصلی این است که آیا با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، پیامدهای امنیتی برای ایران دارد؟ منطقه آسیای مرکزی چه اولویتها و مزایای برای ایران دارد؟

پیشینه تحقیق

علیرغم انجام پژوهش‌ها و تحقیقات در زمینه‌های امنیت و محیط امنیتی آسیای مرکزی تاکنون هیچ کدام از آنها به صورت مستقل به بررسی ساختار مجموعه امنیت منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند و نیز نظراتی که پیرامون این موضوع در پی می‌آید، به نحوی متفاوت به مسئله‌ی امنیت و ساختار امنیتی اشاره دارند و هیچ کدام به طرح، دفاع یا انکار فرضیه این پژوهش، به صورت خاص و منسجم، نپرداخته‌اند. برای روشن شدن پیشینه تحقیق به ذکر چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

نیک و مورگان (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان: «نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نظام امنیت منطقه پرداخته و شرایط و اصول لازم جهت شکل‌گیری این نظام را مطرح کرده‌اند. آن‌ها بحث ژئوپولیتیک منطقه را در چهارچوب سیستم امنیت منطقه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

الیسون و جانسون (۱۳۸۲)، در کتاب خود با عنوان: امنیت در آسیای مرکزی چارچوب نوین بین‌المللی، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به حضور قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی اشاره دارد و بیان می‌کند که جذابیت‌های این منطقه باعث توجه قدرت‌ها به این منطقه شده و خواهد شد.

فرهاد درویشی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان: «محیط امنیتی ایران در قرن بیست‌ویکم، با استفاده از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی به این نتیجه می‌رسد که درک سیاستمداران امنیتی از چگونگی محیط امنیتی خویش از مقتضیات اولیه تدوین سیاست‌های امنیتی از جانب آن‌ها است. به‌طورکلی محیط امنیتی کشورها را می‌توان در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار داد. نویسنده در این مقاله تلاش دارد تا محیط امنیتی ایران در شرایط کنونی و به تفکیک در سطوح یادشده را مورد بررسی قرار دهد.

عصاریان‌نژاد و نادری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان: «درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی، مطالعات دفاعی استراتژیک»، با بهره‌گیری از رویکرد اقتباسی-استنتاجی به دنبال ارائه مدلی برای درک عینی و به تعبیری مهندسی

محیط امنیتی با بهره‌گیری از تکنیک سنیکتیکس (از تکنیک‌های خلق ایده) و همچنین تبیین عناصر اصلی و محوری اثرگذار در محیط بوده است. برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق یعنی اینکه شناخت و تحلیل محیط امنیتی بر چه پایه‌هایی استوار است؟ راهبردهایی همانند مهندسی محیط امنیتی، نقش گفتمان غالب و عامل محوری و ... برای شناخت و تحلیل این حوزه ارائه دهد.

عصاریان نژاد و علیزاده (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان: «ویژگی‌ها و چالش‌های محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای»، با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این نتیجه می‌رسند که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جایگاه بی‌بدیل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به‌ویژه در سطح منطقه‌ای داراست. به همین سبب «تبیین» و «تشریح» واقع‌بینانه و علمی ویژگی‌های محیط امنیتی و آگاهی و شناخت دقیق از «داده‌هایی» که وارد سیستم محیط پیرامونی ایران می‌گردد، موجب می‌شود تا به این قابلیت و توانایی دست بیابیم تا در مقابل تغییرات محیط امنیتی کشور، ضمن آمادگی مواجه با آن‌ها، ابتکار عمل لازم را برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها یا حداقل تعدیل قابل توجه تهدیدات در دست داشته باشیم.

نیکلایویچ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان: «ایران عامل تأثیرگذار بر روابط متقابل ایالات متحده و روسیه در آسیای مرکزی» با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - تاریخی بیان می‌کند که تنظیم روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه در آسیای میانه یکی از موضوعات مهم در روابط خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. چرا که روسیه، آسیای میانه را حوزه منافع خود تلقی می‌کند و سیاست دیگر قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای در آن را با حساسیت دنبال می‌کند و در ادامه به نفوذ غرب در منطقه و تأثیرات آن بر روابط ایران و روسیه و تلاش ایران در پیوستن به شانگهای را بررسی می‌نماید.

چارچوب نظری

اصطلاح «مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای»^۱، نخستین بار به طور مشخص، در دهه شصت میلادی در آثار افرادی چون ویلیام تامس و گراید^۲ به کار رفت. به باور آن‌ها، مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای، عبارت از مجموعه‌ای متشکل از دولت‌هایی است که حفظ امنیت هریک، در گرو حفظ امنیت دیگری و تهدید امنیت یک عضو به منزله‌ی تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود. اما این گزاره به طور مبسوط و بارز در نوشته‌های بوزان گنجانده شد و به عنوان یک مفهوم کلیدی در ادبیات روابط بین‌المللی وارد شد. فروپاشی جهان دو قطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانه بین‌المللی، بوزان^۳ را بر آن داشت تا در ویرایش دوم کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ «نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای» را مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد. (Rafie & partners, 2011:143)

^۱. Regional Security Complex

^۲. William Thomas and grade

^۳. Buzan

بوزان با ارائه یک تعریف جامع، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند: «تعدادی از کشورها که در یک حوزه جغرافیایی مشخص و مرتبط پیرامون هم قرار دارند و حفظ امنیت یکی به منزله حفظ امنیت سایرین بوده و تهدید امنیت یک عضو به مثابه تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود.» (Buzan, 1999:115) همان‌گونه که در تعریف نمایان است، مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مشخصه‌های زیر است: اول، حوزه جغرافیایی مشترک: طبق تعریف بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، کشورهایی را شامل می‌شود که به لحاظ فیزیکی و جغرافیایی، اشتراک داشته و در محیط یکسان قرار دارند. (مانند کشورهای همسایه در منطقه آسیای مرکزی)، دوم، منافع مشترک: چنین کشورهایی از منافع یکسان برخوردارند، به نحوی که تأمین منافع هر عضو به منزله تأمین منافع اعضای دیگر است، این منافع می‌توانند در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تعریف شوند. (مانند منافع اقتصادی در حوزه‌های انرژی و مسیرهای انتقال انرژی در این منطقه)؛ سوم، تهدیدات مشترک: آنچنان که منافع کشورهای عضو مشترک است، تهدیدات وارده از جانب عناصر خارجی نیز می‌تواند مشترک باشد. این تهدیدات در اشکال مختلف و فراخور محیط جغرافیایی و ژئوپولیتیک، شکل حکومت‌ها و نحوه تعامل آنها با محیط پیرامونی و فرامونی دامنه می‌یابند. چهارم، وجود الگوی دوستی و دشمنی: وجود ترس و هراس نسبت به یک موضوع بیش از هر چیز خود را نمایان می‌سازد. (مانند حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی)؛ پنجم، همبستگی‌های نژادی و یا فرهنگی: که سبب تأثیرگذاری بر شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی خواهد شد. (مانند شباهت‌های فرهنگی، پیشینه‌ی تاریخی مشترک). از این رو، اطلاق عنوان مجموعه امنیتی منطقه‌ای، به مجموعه‌ای از اعضا، زمانی صورت می‌گیرد که این کشورها خود را به شکل زنجیره‌وار و مدور در کنار هم یافته و اجازه نمی‌دهند عنصر یا عناصر خارجی امنیت و منافع ملی آنها را تهدید کنند. (Rafie & partners, 2011:144-147) ضمن آنکه در هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای، طبق نظر بوزان، شاخصه‌هایی وجود دارد که علل و انگیزه‌ی نزدیکی کشورهای عضو به یکدیگر می‌باشند. با نگرش به مطالبی که آمد می‌توان با جرأت کشورهای آسیای مرکزی را دارای همه‌ی ویژگی‌ها و مشخصه‌های لازم برای مجموعه امنیتی نگرستن آن شده است. درک این باور که امنیت هر یک از کشورها وابسته به امنیت کشورهای دیگر در این منطقه است، می‌تواند به شکل‌گیری نظام امنیتی پایدار در این منطقه بیانجامد.

آسیای مرکزی و اهمیت آن

آسیای مرکزی منطقه‌ای بسیار مهم در تحولات جهانی به حساب می‌آید که از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت فراوان در فرایند جهانی و منطقه‌ای می‌باشد در زیر به اهمیت این منطقه از چهار بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازیم.

اهمیت اقتصادی

پنج کشور آسیای میانه شامل قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان از سال ۲۰۰۰ شاهد رشد قابل ملاحظه اقتصادی بوده‌اند که در درجه نخست ناشی از افزایش صادرات کالاهای مصرفی و نیروی کار بوده است. با این حال شکل‌گیری چرخه‌های مصرفی و رکود اخیر اقتصادی به خوبی تهدیدهای ناشی اتکاء به صادرات مواد معدنی و نفتی و همچنین اتکاء به درآمدی که شهروندان آسیای مرکزی که به عنوان نیروی کار در دیگر کشورها

مشغول به کار هستند به این منطقه می‌فرستند به خوبی اهمیت ارتقای رقابت‌پذیری، بهبود جایگاه اقتصادهای این منطقه را در اقتصاد جهانی، تنوع بخشی به ساختارهای تولید و بهبود انعطاف‌پذیری اقتصادی در برابر شوک‌های اقتصادی و تجاری خارجی نشان داد. این امر نیازمند اصلاحات بلند پروازانه در حوزه‌های حاکمیتی، ارتباطات و محیط کسب و کار است. شاخص جهانی رقابت‌پذیری به اندازه‌گیری وضعیت ۱۳۷ کشور جهان می‌پردازد و به عنوان مجموعه نهادها، سیاست‌ها و عواملی تعریف می‌شود که سطح مولد بودن یک اقتصاد را مشخص می‌کنند. در حال حاضر کشورهای هلند، آلمان و هنگ‌کنگ برترین اقتصادهای جهان از لحاظ این شاخص هستند. از میان کشورهای آسیای میانه، قزاقستان رتبه ۵۷، تاجیکستان رتبه ۷۹ و قرقیزستان رتبه ۱۰۳ را در شاخص جهانی رقابت-پذیری برای سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۷ را کسب کردند و ترکمنستان و ازبکستان نیز به علل مختلف در این فهرست جای نگرفتند (<http://centralasiadaily.org/2018>) کارشناس مرکز سیاست مدرن جمهوری قزاقستان، الدار گبدولین، اشاره می‌کند که منطقه‌ی نسبتاً کوچک اما غنی از منابع آسیای مرکزی جایگاه ویژه‌ای در معماری جغرافیایی امروزین جهان دارد. این منطقه جریان‌های انرژی تمام نقاط جهان را تعیین می‌کند و همچنین در همسایگی افغانستان بی‌ثبات قرار دارد. منافع بزرگترین بازیکنان جهان در آسیای میانه متمرکز است. منطقه را می‌توان تا حدودی «کلید» آینده ژئوپولیتیک و ثبات قاره آسیا برشمرد. همچنین مسائلی چون انعکاس مجموعه عوامل سیاست بین‌المللی، مطالعه موقعیت قدرت‌های اصلی و بازیکنانی که به نحوی در ژئوپولیتیک آسیای میانه تأثیر می‌گذارند و نقش وضعیت نسبتاً جدید بین‌المللی در وضعیت کشورهای آسیای میانه نیز شایان توجه است (Тулеев, 2016: 185). طبق برآورد کارشناسان، منطقه آسیای مرکزی و خصوصاً کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۱۶,۳ درصد از خاک سرزمین‌های جهان را شامل می‌شوند و تقریباً ۵ درصد از جمعیت جهان در این کشورها زندگی می‌کنند. همچنین ۲۵ درصد از ذخایر ثبت شده منابع طبیعی جهان و ۱۰ درصد از ذخایر منابع جهان در این مناطق قرار دارند (Сергеевна, 2017: 160-164). به علاوه با عضویت پاکستان و هندوستان در سازمان همکاری شانگهای، حجم اقتصادی این سازمان در سال ۲۰۱۷ با ۱۵ تریلیون دلار ۲۰ درصد از اقتصاد جهان را به خود اختصاص داد.

-trylywn-dlr-<http://www.trt.net.tr/persian/qtsd/2017/06/13/hjm-qtsdy-szmn-hmkhry-shnghy-bh-15>

(rsyd-752046)

اهمیت سیاسی

منطقه آسیای مرکزی یک تقاطع منحصر به فرد ژئوپولیتیک است که چهار قدرت هسته‌ای - روسیه، چین، هند و پاکستان را به هم متصل می‌کند. به همین دلیل به نظر ما نکته مهم این است که کشورهای آسیای مرکزی بستر صلح و ثبات و مقاومت در برابر تروریسم بین‌المللی و جرائم سازمان یافته باشند (Чжоу, 2017: 164-168) با این حال شاید مهم‌ترین ویژگی ژئوپولیتیک آسیای مرکزی، پس از فروپاشی شوروی و به ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، تبدیل شدن این منطقه به عرصه‌ی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد. توضیح آنکه در این زیرسیستم منطقه‌ای به جز ۵ کشور آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان) ۵ قدرت منطقه‌ای (روسیه، ایران، ترکیه، هند و پاکستان) و ۳ قدرت فرامنطقه‌ای (آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و چین) به رقابت برای تأمین منافع خود مشغول هستند (Hafezniya, 2007: 91).

اهمیت فرهنگی

سابقه حضور انسان در آسیای مرکزی با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و بدست آمدن آثار متعدد از دوران فرهنگ‌های پارینه سنگی زیرین و قدیمی‌ترین مرحله تاریخ زندگی بشر می‌رسد، مؤید این نظر هستند که در دوره بین ۲۵۰۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰۰ پیش از این منطقه برای زیست انسان ابتدایی مناسب‌ترین زمان بوده است. آسیای مرکزی دارای جوامع شهری توسعه یافته و مرکزیت قومی بوده است. چنانچه برخی از خاورشناسان این منطقه را نخستین جایگاه آریاییان دانسته‌اند. همچنین آسیای مرکزی بخشی از امپراتوری بزرگ ایران قبل از اسلام محسوب می‌شده که حکام آن خراج گذار یا منصوب حکومت ایران بودند (Valayati, 2011:14). آسیای مرکزی به لحاظ تاریخی همواره پیوندهای نزدیکی با زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای و همچنین جاده ابریشم داشته است. اهمیت فوق‌العاده جغرافیایی این منطقه از آنجا مشخص می‌شود که همواره چهار راهی برای حمل و نقل کالا و محصولات، سفرهای انسان‌ها و اشاعه و گسترش ایده‌ها و تفکرات نوین میان اروپا، آسیای غربی، آسیای جنوبی و آسیای شرقی بوده است. جاده ابریشم که برای چندین قرن اصلی‌ترین مسیر تجاری جهان بود، سرزمین‌های جهان اسلام و شهرهای آباد و پرجمعیت آن را با اروپا، شبه قاره هند و چین پیوند می‌داد. البته در امتداد مسیر جاده ابریشم، تنش‌هایی میان سبک زندگی قبیله‌ای با یکجانشینی و مدرنیزاسیون رخ می‌داد (Paul & Andrew, 2013).

در کنفرانس بین‌المللی امنیت و توسعه پایدار در آسیای مرکزی تحت حمایت سازمان ملل متحد (Samarghand, November, 2011:10-11) درباره اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی بیان می‌دارند که «در طول مسیر راه‌های باستانی میان شرق و غرب در کنار جاده ابریشم بزرگ آسیای مرکزی برای هزاران سال به گفتگو و تبادل فرهنگ‌ها، زبان‌ها و ادیان جهان کمک کرد. (Международной конференции, 2017: 2-4) در مورد اهمیت تمدنی - فرهنگی روسها اس.ای. سومکین بیان می‌کند که: «آسیای مرکزی یک تقاطع تمدن است؛ کنترل آن، همان طور که در قرن‌های گذشته تصور می‌شد، به ما اجازه می‌دهد تا بر جهان حکومت کنیم. اول از همه، این منطقه اهمیت استثنایی ژئوپولیتیک خود را، در ژئوپولیتیک روسیه پیدا می‌کند. اهمیتی که تا به امروز ادامه دارد» (Sumkin, 2016: 3-5)

اهمیت هویتی - اجتماعی

پنج گروه اصلی قومی ساکن آسیای مرکزی از نظر جمعیت به ترتیب عبارتند از ازبک‌ها، قزاق‌ها، تاجیک‌ها، ترکمن‌ها و قرقیزها. همه این اقوام به زبان‌هایی از خانواده زبان‌های ترکی صحبت می‌کنند و تنها در این میان تاجیک‌ها هستند که به زبان فارسی سخن می‌گویند. اسلام دین غالب مردم و بسیاری پیرو مکاتب اهل سنت هستند. بر اثر همگرایی تاریخی این منطقه با روسیه و سپس اتحاد شوروی، شمار فراوانی از روس‌ها و اوکراینی‌ها در آن زندگی می‌کنند که تنوع قومی قابل ملاحظه‌ای به آسیای مرکزی داده است. رشد جمعیت آسیای مرکزی در قرن بیستم در نتیجه نرخ بالای موالید و اقدامات بهداشتی شوروی و کاهش نرخ مرگ و میر به میزان قابل توجهی افزایش یافت. این منطقه در اواخر قرن بیستم اسیر برخی مشکلات زیست محیطی شد که ناشی از تأثیرات توسعه سریع کشاورزی، اتکای بیش از حد به آبیاری و تأثیرات آزمایش‌های تسلیحات هسته‌ای شوروی بودند. فعالیت‌های اقتصادی آسیای مرکزی حول محور کشاورزی در جنوب و صنایع سنگین و نیمه‌سنگین در شمال و به خصوص

بخش معدن قزاقستان است. آسیای مرکزی در زمان حاکمیت شوروی بخش اعظم نیازهای اتحاد شوروی را به پنبه و همچنین زغال سنگ و دیگر مواد معدنی برای کاربردهای صنعتی تأمین می‌کرد (Britanica, 2018: 4-9). ارتباط اسلام با قومیت یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن در آسیای میانه است. از نظر اکثریت قزاق‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها، هویت قومی یک هویت اسلامی است: قزاق بودن به معنای مسلمان بودن است. نمی‌توان بدون مسلمان بودن ازبک بود. این تناظر میان هویت‌های قومی و دینی از ریشه‌های تاریخی عمیقی برخوردار است. (Omelicheva, 2017: 6-7). بخش‌های عظیمی از جمعیت آسیای میانه پیش از فتح این منطقه به وسیله روسیه خود را مسلمان می‌شناختند اما این هویت برخاسته از آداب و سنن محلی و اجتماعی و نه عمل به آداب قرآن بود. سیاست‌های هویتی دوره شوروی نیز باعث تقویت این هویت‌سازی دینی و ملی شد و در دوره پسافروپاشی شوروی نیز تقویت شده است. امروزه نیز درست مانند چندین قرن گذشته، مسلمان بودن بخشی درونی از هویت مردمان آسیای مرکزی تلقی می‌شود. بسیاری از مسلمانان آسیای مرکزی، رعایت سفت و سخت ممنوعیت‌ها و آداب اسلامی را یگانه شاخص برخورداری از هویت اسلامی نمی‌بینند. در عوض، مسلمان بودن آنها به واسطه تولد در خانواده‌ای مسلمان و از طریق وراثت در جوامعی تعریف می‌شود که اسلام همواره عنصر اصلی حیات اجتماعی را شکل می‌داده است، جمهوری‌های آسیای مرکزی بر اساس قوانین اساسی آنها سکولار محسوب می‌شوند هرچند اکثریت جمعیت آنها را مسلمانان شکل می‌دهند. مسلمانان بر اساس برآوردهای مختلف چیزی بین ۵۲ الی ۶۵ درصد پیروان ادیان در قزاقستان و ۹۰ تا ۹۳ درصد در ترکمنستان را شکل می‌دهند. در قرقیزستان، ۷۵ الی ۸۶ درصد جمعیت خود را از لحاظ هویتی مسلمان می‌دانند و ۹۰ تا ۹۸ درصد تاجیک‌ها هم مسلمان هستند (Omelicheva, 2017: 6-7). بر اساس مطالعات صورت گرفته به وسیله شورای آتلانتیک مستقر در آمریکا برخی از مهمترین این مناقشات به شکل زیر هستند:

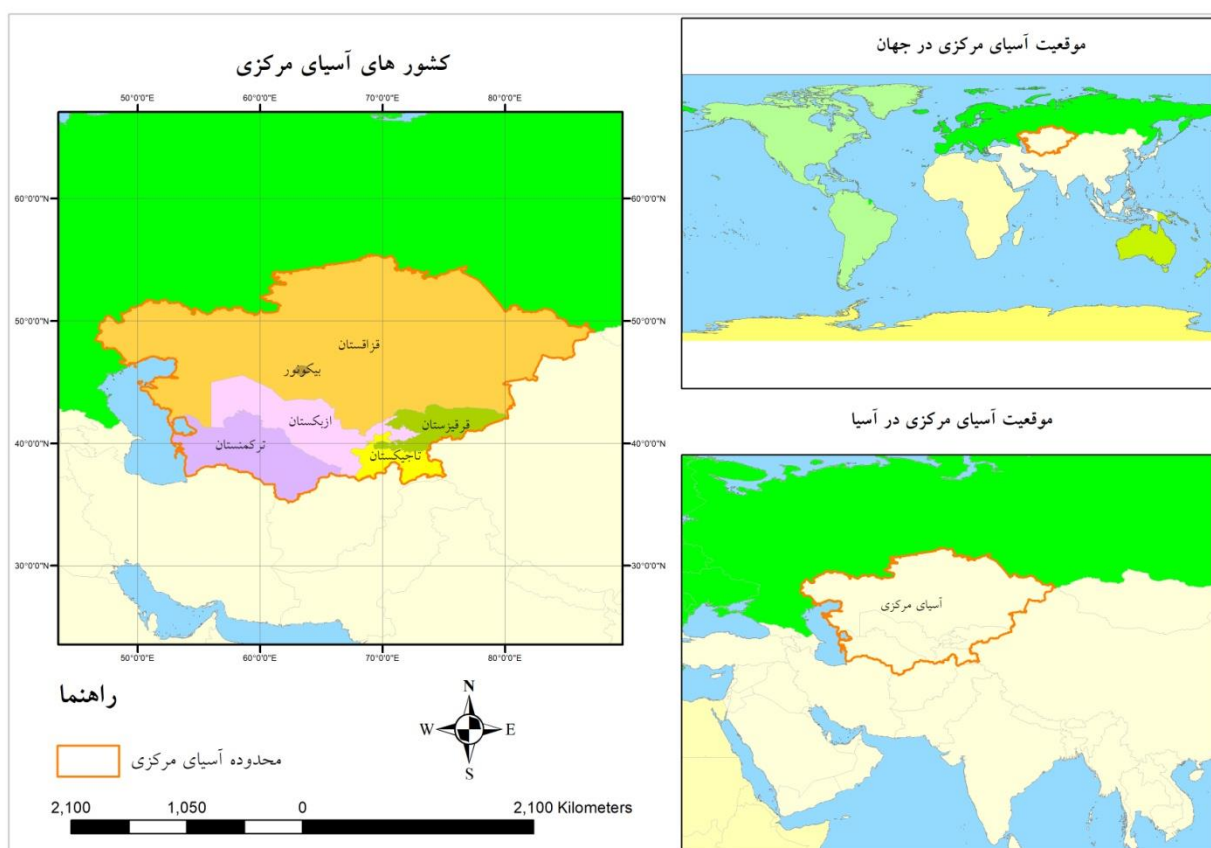
جدول شماره ۱: مناقشات اجتماعی آسیای مرکزی

کشور	تنش	توضیحات	وضعیت
قزاقستان	منطقه وستوچنی قزاقستان	جدایی طلبان روس تبار خواستار استقلال در مرزهای جنوبی قزاقستان هستند	حوادث گاه و بیگاه
	مرزهای شرقی	حمایت جدایی طلبان اویغور از همتایان خود در سین کیانگ	فعال
	مرزهای جنوبی	تنش‌ها و درگیری‌ها با ازبکستان	فعال
قرقیزستان	باتکن و لیلک ^۱	فعالیت‌های گاه و بی‌گاه شبه‌نظامیان	
	مرزهای جنوب غربی/فرغانه	تنش‌ها و درگیری‌ها با ازبکستان	
تاجیکستان	جنگ داخلی	دولت در برابر جبهه متحد تاجیکستان	آتش بس از سال ۱۹۹۹
	خجند	تنش‌ها و درگیری‌ها با ازبکستان	فعال
	گورنو - بدخشان	فعالیت‌های جدایی طلبانه اسماعیلیان	بالقوه/ فعالیت گاه و بی‌گاه
ترکمنستان	دریای خزر	مسئله تعیین حدود مرزی با جمهوری آذربایجان	فعال
ازبکستان	مرزهای شمالی، شرقی و جنوبی	حوادث مختلف با همسایگان/درگیری‌ها با شبه نظامیان	فعال
	کاراکالپاکستان ^۲	فعالیت‌های جدایی طلبانه	بالقوه/تحرکات گاه و بی‌گاه

[Source: Research findings]

^۱. Batken & Lailek

^۲. Kara Kalpakstan



نقشه شماره ۱: موقعیت آسیای مرکزی

Source: Research findings

سیر تاریخی امنیتی از امنیت ملی تا امنیت بین‌المللی در آسیای مرکزی

با توجه به اهمیت راهبردی آسیای مرکزی از جنبه‌های مختلف همیشه در کانون توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گرفته است از بازی بزرگ قرن ۱۹ گرفته تا بازی بزرگ جدید این موضوع سبب شده تا ما شاهد شکل‌گیری مدل‌های امنیتی متفاوت در این منطقه باشیم. «امنیت ملی»، «امنیت بین‌المللی» و «امنیت جهانی»^۱ هر کدام به مجموعه موضوعات متفاوتی اشاره دارند و هر یک از آنها، چهارچوب‌های تاریخی - فلسفی متفاوتی، ریشه می‌گیرند. اما سؤال اینجاست که کدام یک از این اصطلاحات متقاعدکننده‌ترین تبیین را برای دگرگونی‌های بسیاری که در روابط امنیتی بین کشورها شاهدیم بدست می‌دهند؟ استدلال اصلی نگارنده این است که هر یک از این مفاهیم به سنت فلسفی متفاوت و نیز به تغییر تاریخی خاص از روابط بین‌الملل باز می‌گردد. در نظامی جهانی که تقریباً فاقد قدرت فائقه مرکزی است هر چند آگاهی از «معمای امنیت»^۲ رو به رشد است و روند برقراری رژیم‌های بین‌المللی با شتاب پیش می‌رود اما به نظر می‌رسد که مفهوم امنیت منطقه‌ای برای توصیف امور امنیتی در آسیای مرکزی مناسب‌تر باشد. بنابراین به امنیت ملی که ناظر بر دولت ملی است و امنیت سایر کشورها را در نظر نمی‌گیرد، ایراد اساسی وارد است و همچنین به مفهوم امنیت جهانی که فرض وجود تعریفی مشترک و جهانشمول از امنیت و

^۱ National Security, International Security and Global Security

^۲ Security Dilemma

مجموعه‌ی مشترکی از ارزشها، قواعد و اصول را که هنوز موجود نیست در خود دارد جای انتقاد هست. همچنین امنیت بین‌المللی که مبتنی بر نقصان و گفتمان ارزشهای بشری است و مبتنی بر ارزشهای آمریکایی بوده و با ارزشهای بومی - ملی و منطقه‌ای سازگاری ندارد ایراد وارد است.

جدول شماره (۲): ویژگی‌های نگرش‌های سه‌گانه به امنیت بین‌المللی

پارامترها	نقاط ضعف	نقاط قوت
امنیت ملی	در نظر نگرفتن امنیت سایر دولتها	به حداکثر رساندن منافع ملی
امنیت بین‌الملل	نقصان و گفتمان ارزش‌های بشری	شتاب در روند برقراری رژیم‌های بین‌المللی، مناسب بودن برای توصیف امور امنیتی امروز
امنیت جهانی	آرامانی بودن و آرامانی به دنیا نگاه کردن	تأکید بر مجموعه‌ی مشترکی از ارزش‌ها، قواعد و اصولی که هنوز موجود نیست.

Source: Research findings

دیدگاه طرفداران توسعه سازمان‌های منطقه‌ای، در جهان وسیع و بسیار گسترده فاصله‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی، تاریخی، جغرافیایی و خصوصیات اخلاقی و روانی ملت‌ها در سراسر جهان و نیز منافع ملی به شدت متعارض و متعدد امکان اتخاذ تصمیمات مشترک و سریع برای حل بحران‌های بین‌المللی را به سختی میسر می‌سازد. این در حالی است که در چارچوب یک منطقه می‌توان با کنار گذاشتن فاصله‌های فوق تا حدود زیادی به سازگاری و اشتراک منافع برای مدیریت بحران‌ها دست یافت. در حالی که یک سازمان جهانی ممکن است، بسیار گسترده بوده و از کشورها بخواهد که به موضوعات فراسوی افق‌های محدود منافعشان توجه داشته باشند، سازمان امنیت منطقه‌ای به منافع یکپارچه کشورهای عضو بیشتر تمایل دارد. سازمان‌های منطقه‌ای بویژه برای توسعه همکاری‌های نزدیک و گسترده در میان کشورها مناسب هستند. (Kirchner, 2013: 1-35)، بوزان بعنوان عضو شاخص مکتب فکری کپنهاگ؛ معتقد است که بررسی ملاحظات امنیتی در چارچوب ملی یا سطح جهانی به تنهایی نارساست؛ چراکه از یک سو دولت‌ها در خلاء زندگی نمی‌کنند و با محیط خود در تعامل هستند و از سوی دیگر این منطق که امنیت هر یک از دولتها به امنیت همه مربوط می‌شود، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه چیز فهمید مکتب کپنهاگ ضمن طرح تئوری مجموعه‌های امنیتی بر دولت بعنوان مهم‌ترین واحد تحلیل تأکید کرده و بر بخش‌های نظامی و سیاسی به مثابه حوزه اصلی روابط بین‌الملل تأکید می‌کند سیستم‌های منطقه‌ای و چارچوب برخورد با آنها از نظر امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد و استقلال نسبی روابط منطقه‌ای مشخص می‌شود. (Buzan, 1999: 112-113) لذا متناسب با این وضعیت سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی شکل گرفت که زمینه‌های شکل‌گیری آن پس از فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و پایان جنگ سرد فراهم آمد. این سازمان که به طور عمده نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی می‌باشد با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه به نسبت مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است. (Rezaei & Salehi, 2010: 53)

یافته‌های تحقیق

سیستم امنیت منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای آن برای ایران

ایران کشوری با موقعیت جغرافیایی بسیار با اهمیت در سطح منطقه است. این کشور که با انقلاب ۱۳۵۷ دچار تغییرات فراوانی در سیاست خارجی خود شد همواره مورد تهدید و فشار از سوی غرب و بخصوص آمریکا بوده است. خصومت در سیاست خارجی دو کشور بر سطح بین‌الملل و منطقه تأثیر بسیار گذاشته است؛ لذا آمریکا که بعد

از جنگ سرد ادعای رهبری جهان را داشت و در این راستا به باز تعریف ناتو اقدام کرد شروع به گسترش خود و ناتو در نقاط مختلف جهان نمود از جمله خاورمیانه و آسیای مرکزی. از جمله اهداف آمریکا از این گسترش مقابله با ایران اسلامی و مهار ایران است. لذا ایران که از سوی آمریکا و غرب در محاصره نظامی و سیاسی قرار گرفته توجه خود را به همکاری با دو قطب قدرتمند منطقه از جمله چین و روسیه در قالب همکاری شانگهای اقدام نمود. از این رو جمهوری اسلامی ایران در تیرماه سال ۱۳۸۴ مصادف با پنجمین نشست سران سازمان شانگهای در آستانه قزاقستان، به عنوان عضو ناظر در این سازمان پذیرفته شد و تقاضای خود مبنی بر عضویت دائم در این سازمان را هم در این تاریخ ارائه نموده است. به همین جهت تبیین پیامدهای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان به جهت آشنایی سیاستگذاران خارجی کشور و پیشبرد اهداف کشور حائز اهمیت می‌باشد. (Rezaei & Salehi, 2010: 54)

حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای دارای اهمیت فراوانی خواهد بود از جمله: پیوند امنیتی با آسیای مرکزی، اشتراک تمدن ایرانی و اسلامی، هم‌سویی اهداف کلان ایران با اهداف سازمان شانگهای و وجود ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ایران در همگرایی با دیگر اعضا و اهداف این سازمان از جمله عواملی است که پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای را توجیه و از ضرورت‌های این مسأله حکایت می‌کند. سالهاست که موضوع گسترش همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار ج.ا.ایران بوده و پیگیری شده است. (Koolaei, 2005: 118) سامان دادن به مناسبات و همکاری‌ها در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای، از یک سو بهترین شیوه رسیدگی مشترک به موضوعات و مسائل منطقه‌ای و از سوی دیگر راهکاری است سودمند برای مطرح ساختن خواسته‌ها و گرایش‌های منطقه‌ای در سطح جهان. بنابراین به اختصار به پیامدهای مثبت عضویت ایران در سیستم منطقه‌ای آسیای مرکزی در قالب سازمان همکاری شانگهای می‌پردازیم:

اهمیت ژئوپولیتیک: ایران به لحاظ ژئوپولیتیک دارای سه امتیاز بسیار مهم به شرح زیر است: اولاً، اینکه ایران متصل به موقعیت بری اوراسیاست، ثانیاً؛ به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است، ثالثاً؛ به لحاظ داشتن تنگه هرمز، که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از آن صورت می‌گیرد، موقعیت ویژه‌ای دارد. (Kooshki & hoseini, 2017: 142) از این رو دارای پیامد مثبت دوسویه است. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به ارتقای نقش ژئوپولیتیک آن در منطقه و جهان می‌انجامد و در شرایط کنونی مجموعه ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی امکان این اقدام را فراهم ساخته و زمینه‌ها و بسترها آماده شده است، اعضای سازمان همکاری شانگهای با برخورداری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های وسیع همکاری‌های چند جانبه و همچنین موقعیت مهم ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک می‌توانند از طریق تشریک مساعی و هم‌اندیشی با یکدیگر نویدبخش آینده‌ای روشن برای ملت‌های منطقه باشند. ضمن آن که این قابلیت‌ها، سازمان را در برابر چالش‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مقاوم و فعال می‌کند.

اهمیت اقتصادی: تهران معتقد است که قابلیت‌ها و نقش رو به رشد سازمان در حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و امنیت جهانی برجسته است. در بعد اقتصادی نیز مجموعه کشورهای عضو با داشتن منابع عظیم طبیعی و ظرفیت

انسانی، می‌تواند نقش بسیار مؤثری را در مدیریت اقتصادی دنیا برعهده بگیرد. (Koolaei, 2005: 118) در همین راستا جمهوری اسلامی ایران با شعار «توسعه توأم با عدالت برای همه اعضای جامعه بشری، به خصوص کشورهای همسایه و هم‌پیمان و با مشارکت همه همواره پیشنهاداتی به این اجلاس ارائه داده است. با توجه به گسترش حوزه فعالیت سازمان همکاری شانگهای به عرصه‌های مختلف از امنیت تا اقتصاد و سیاست به نظر می‌رسد که سازمان همکاری شانگهای علی‌رغم یک دهه فعالیت، تاکنون در این حوزه‌ها پیشرفت‌های خوبی داشته است. در مورد مزایای اقتصادی ناشی از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز باید به این نکته اشاره کرد که ورود به این سازمان می‌تواند اقتصاد ایران را به اقتصاد کشورها و مناطق پرامونی خود پیوند زده و قلمرو بزرگی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از شرق و جنوب شرق آسیا، منطقه آسیای مرکزی و روسیه ایجاد کند که به حتم در افزون شدن منافع اقتصادی کشورمان مؤثر خواهد بود. به طور کلی تأثیرات اقتصادی عضویت در سازمان همکاری شانگهای برای ایران به قرار زیر است: حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و با دوام برای نفت و صادرات غیر نفتی؛ بهره‌گیری از توان و قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های چین؛ ایجاد رویه‌ای برای مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافقاتی در زمینه اعطای امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی؛ دسترسی به یک بازار حدود ۲ میلیارد نفری و بهرمندی از منافع اقتصادی آن و نیز رفع برخی نیازمندی‌های فناوری کشورمان با توجه به عضویت روسیه و چین؛ توسعه گردشگری و تبادل هیأت‌های بازرگانی. علاوه بر این، عضویت الحاق کامل به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند پلتفرمی را برای مناسبات تجاری و اقتصادی در اختیار تهران قرار دهد که برای دور زدن رژیم تحریم‌های غرب و آمریکا علیه آن بسیار مفید فایده خواهد بود. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی داخل ایران ادعاه کردند عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند درهای تجارت را با دولت‌های عضو این سازمان باز کند و تأثیر تحریمها را بر این کشور کاهش دهد. (Akbarzadeh, 2016:90-100)

منافع امنیتی: عضویت در سازمان همکاری شانگهای منافع امنیتی فراوانی برای ایران در پی خواهد داشت و می‌تواند تضمین‌ها برای تأمین امنیت کشورمان را تقویت کند. به این معنا، که عضویت برابر ایران با روسیه و چین در سازمان همکاری‌های شانگهای هر چند به صورت غیرمستقیم می‌تواند نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات آمریکا علیه کشورمان ایجاد نماید. (Koolaei, 2005: 118-120) پیوستگی جغرافیایی و تأثیرپذیری کشورهای عضو از تهدیدات واقعی تروریسم و جنایات سازمان یافته در افغانستان، صدمات عظیم و خسارات زیادی را به کشورهای عضو سازمان وارد کرده است. جمهوری اسلامی ایران در تعمیق همکاری‌ها در زمینه امنیت و دستیابی به راه حل منطقه‌ای بیش از هر زمانی اهمیت و ضرورت یافته و دستیابی اعضا به یک راه حل منطقه‌ای، تضمینی قوی و مطمئن در مسیر ایجاد ثبات و صلح جامع در افغانستان است. در حوزه امنیتی، شرایط به گونه‌ای است که ایران به طور همزمان با تهدیدات و فرصت‌های امنیتی در منطقه آسیای مرکزی روبه‌رو است. برخی از تهدیدات، مانند ترانزیت مواد مخدر، قاچاق کالا و مهاجرت غیرقانونی از جمله تهدیدات مشترک ایران و کشورهای منطقه به حساب می‌آید که ایران می‌تواند با تقویت مکانیزم‌های دوجانبه و نیز چندجانبه در چهارچوب سازمان همکاری شانگهای به دفع و کنترل این تهدیدات بپردازد. اما در برخی از حوزه‌ها مانند تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، به ویژه بر سر تعریف مصادیق آن و نیز حضور نیروهای فرامنطقه‌ای، اتفاق نظر وجود ندارد. در این رابطه، ایران می‌تواند ضمن گسترش

گفت‌وگوهای امنیتی با مقامات سیاسی و نظامی کشورهای آسیای مرکزی و نیز سازمان همکاری شانگهای در راستای هرچه نزدیک شدن دیدگاه‌های طرفین در حوزه‌های مختلف امنیتی، به ویژه تعیین مصادیق تهدیدات امنیتی کوشش کند. در واقع، ایران می‌تواند در راستای دکترین دفاعی خود و با توجه به اهداف سیاست خارجی تعیین شده از ظرفیت عادی و واقعی این سازمان بهره‌گیرد، بی آن که مستلزم صرف هزینه‌ها و تعهداتی غیر واقع‌بینانه شود.

منافع انرژی: بدون تردید، مهم‌ترین تأثیر منفی ایالات متحده بر حضور مؤثر ایران در آسیای مرکزی را باید کارشکنی این کشور در انتقال منابع عظیم انرژی منطقه به بازارهای جهانی دانست. ایران از نگاه آمریکا نباید فعال بوده و نباید خطوط لوله از مسیر این کشور بگذرند؛ زیرا حضور ایران در صحنه انرژی و عبور منابع در خلیج فارس؛ کاملاً همراه باتسلط است. اهداف آمریکا، شامل دو بخش بلندمدت و کوتاه مدت است که در بخش کوتاه مدت آن، ترجیح خطوط لوله انتقال نفت و گاز از منطقه دریای خزر به صورت شرقی- غربی در برابر خطوط لوله شمالی- جنوبی است. معنای دیگر سخن، آن است که هر گونه توسعه اقتصادی در منطقه، می‌بایست به نفع روش-های غرب گرایانه مانند آمریکا و ترکیه بوده و به ضرر مردم کشورهایمانند روسیه و ایران می‌باشد.

(Maleki, 2003: 156) حضور بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان نظیر هند و چین در سازمان از سویی و نیز بزرگترین تولیدکنندگان انرژی جهان نظیر ایران و روسیه از سوی دیگر، در کنار دسترسی کشورهای منطقه به آب-های بین‌المللی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بندرها و فرودگاه‌ها، می‌تواند سازمان همکاری شانگهای را به محیطی امن برای تأمین انرژی منطقه از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس در محور طولی و ارتباط کل منطقه با جنوب از طریق خاک ایران، تبدیل کند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش کلیدی خود در شاهراه‌های موجود در منطقه، یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، کریدور ترانسیسکا و کریدور شمال- جنوب برای تحقق هر چه بیش‌تر این موضوع آمادگی کامل دارد. در ارزیابی از نشست‌های گذشته سران این سازمان باید گفت؛ کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نیز برای برآورده کردن نیازهای جهان به منابع جدید باید همکاری‌های بین‌المللی خود را افزایش دهند. اجرای سیاست‌های مالیاتی و مالی مسئولانه، نظارت دقیق و کامل بر جریان سرمایه‌ها و تضمین امنیت در بخش تغذیه و انرژی برای جامعه بشری از اهمیتی بسیار بالا برخوردار است به ویژه آن که اقتصاد کنونی جهان در سال‌های اخیر با مشکلاتی روبه‌رو شده و از رشد آن کاسته شده است. (Koolaei, 2005: 118-120) به نظر می‌رسد در زمینه هدف سازمان همکاری شانگهای مبنی بر ایجاد یک باشگاه انرژی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش مهمی را ایفاء کند، به ویژه اینکه آمریکا تلاش می‌کند تا براساس طرح‌هایی نظیر 'راه ابریشم جدید' - طرحی که آمریکایی‌ها برای افزایش مبادلات ترانزیتی و انرژی منطقه آسیای میانه در مسیر افغانستان پیشنهاد داده‌اند- و سرمایه‌گذاری در مسیر قفقاز، جمهوری اسلامی ایران را به انزوا بشکاند. اما در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، ایران می‌تواند با ایفای نقشی فعال، این سیاست را خنثی سازد. ایران، امروز از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و گاز در جهان محسوب می‌شود و از جایگاه ویژه‌ای در این حوزه در عرصه بین‌المللی برخوردار است. با توجه به این واقعیات باید زمینه لازم برای توسعه همکاری‌های ایران و سازمان شانگهای فراهم شود.

بنابراین، در فضای موجود جمهوری اسلامی ایران و سازمان شانگهای می‌تواند با افزایش همکاری‌ها در مسیر ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای یکدیگر گام‌های جدی و اساسی بردارند. (Koolaei, 2005: 118-120)

افزایش قدرت چانه زنی برای ایران: تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در شرق، شمال شرقی و شمال ایران؛ از جمله حضور نظامی آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی، از بین رفتن سلطه طالبان و القاعده در افغانستان و نیز گسترش ناتو به شرق در قالب برنامه «مشارکت برای صلح» (Karami, 1999: 76). محیط امنیتی آسیای مرکزی را دچار تحولی اساسی نموده و صف‌بندی نیروها را به کلی دگرگون ساخت. بنابراین با حضور ناتو و آمریکا در آسیای میانه باعث محدود شدن نقش منطقه‌ای ایران در آسیای میانه می‌شود لذا برای جلوگیری از وقوع سناریوهایی که هم به ضرر ایران و هم کشورهای منطقه است، ایران باید پایه ابتکار عمل برای ایجاد یک ساختار جدید در منطقه که شامل تمامی آنها باشد، را در دست گیرد که یکی از مؤثرترین راهبردها می‌تواند، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای باشد.

مشکلات مشترک ژئوپولیتیک و اهداف مشترک که روسیه، چین، هند و ایران را به یکدیگر متصل می‌کنند، مقابله با هژمونی آمریکا و تلاش برای نظم جهانی چند ضلعی است. یک میدان مهم تعامل نزدیک برای اعضای «مربع اوراسیا» آسیای مرکزی است. آن‌ها علاقمند به حذف هرچه بیشتر نفوذ آمریکا از این منطقه و ایجاد یک سیستم روابط چند جانبه با یکدیگر هستند. این به آسیای میانه کمک خواهد کرد تا به ثبات و موفقیت برسد (-185: 2016, 187 Тулеев). به طور کلی تجمیع و هم‌افزایی احساسات ضد آمریکایی در سازمان همکاری شانگهای بسیاری از ناظران را بر آن داشته که اعلام کنند «سازمان همکاری شانگهای اساساً یک وزنه تعادل ژئوپولیتیک در برابر آمریکا» است. این جهت‌گیری کلی استراتژیک باعث شد تمایل ایران برای پیوستن به این سازمان به شدت افزایش یابد (Akbarzadeh, 2016:93-102))

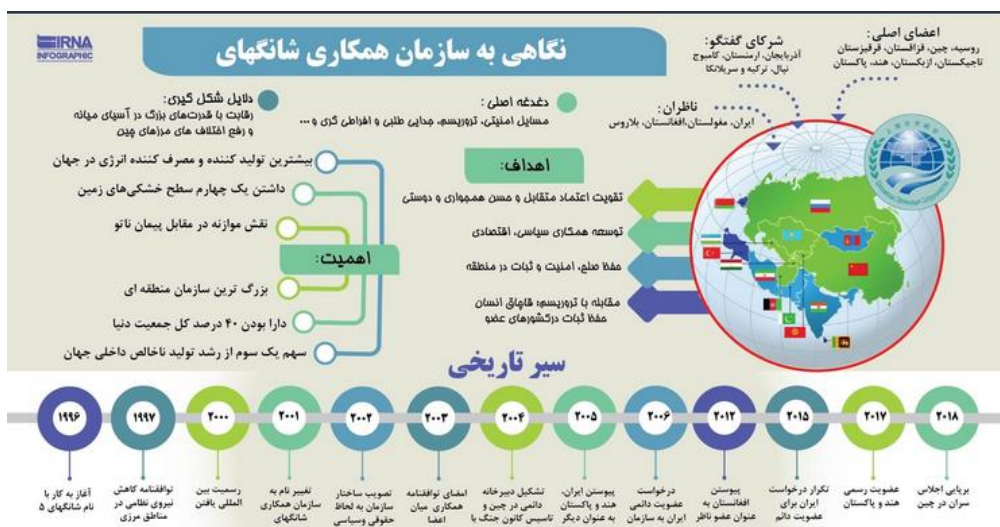
با روند رو به گسترش ناتو به سمت شرق، دیر یا زود، ایران باید به فکر مکانیسمی برای مشارکت و همکاری با این پیمان باشد. به نظر می‌رسد با توجه به جهت‌گیری این پیمان بدون حضور آمریکا، احتمالاً جهت‌گیری آن مستقل‌تر و به منافع کشورهای منطقه نزدیک‌تر باشد. (Sonboli, 2002: 105-106) از این رو می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران مدت‌ها است که در پی کسب عضویت سازمان همکاری شانگهای برآمده است. به نظر می‌رسد ایران در این مسیر در پی کسب هم‌پیمانی چین و روسیه به‌عنوان دو عضو اصلی سازمان همکاری شانگهای بوده است. عضویت در این سازمان به خوبی در چارچوب دشمنی همه‌جانبه تهران با واشنگتن قرار می‌گیرد. در حقیقت از نظر ایران، سازمان همکاری شانگهای وزنه‌ای ژئوپولیتیک برای موازنه بخشی در برابر آمریکا است. به همین علت از نظر ایران این وزن ژئوپولیتیک بر الزامات ایدئولوژیک فائق می‌آید. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای کاهش حجم تهدیدها و ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی همراه با مطلوبیت بین‌المللی در جهت منافع ملی و افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت این مسئله باعث خواهد شد تا ایران از محاصره اقتصادی - سیاسی غرب خارج شده و با ارتقاء سطح همکاری در ابعاد مختلف با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بر قدرت چانه‌زنی خود با غرب افزوده و از سازمان شانگهای به عنوان یه وزنه تعادل بخشی در مقابل آمریکا عمل کند. لذا مقامات ایران آشکارا به توان بالقوه سازمان همکاری

شانگهای به عنوان راهی برای مهار حضور و نفوذ آمریکا در منطقه چشم دوخته بودند. از نقطه نظر رهبران ایران، نوعی همراستایی طبیعی منافع ژئواستراتژیک میان روسیه، چین و ایران وجود داشت و سازمان همکاری شانگهای نیز ابزاری برای ارتقای این همگرایی و همراستایی منافع کلان سه کشور بود. (Akbarzadeh, 2016: 90-102)

اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی: با توجه به دورنمایی که از سازمان همکاری شانگهای می‌توان دید و نیز نقش فعال چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت مهم بین‌المللی در آن، می‌توان اینگونه متصور بود که حضور ایران به‌عنوان عضو دائم در سازمان همکاری شانگهای در دو بعد منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند اثرات مثبتی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. در بعد بین‌المللی باید گفت که هم روسیه و هم چین مخالف یک‌جانبه‌گرایی‌های ایالات متحده در سطح جهانی هستند و خواهان ایفای نقش مؤثر، توسط دیگر کشورها در مراتب مختلف قدرت در عرصه بین‌الملل هستند و می‌توان گفت که ایران هم در این مورد با این کشورها هم‌عقیده بوده و حضور ایران در کنار این قدرت‌ها می‌تواند توان بر قدرت شانگهای و به تبع آن باعث افزایش قدرت ایران در برابر خودخواهی‌های اروپا و آمریکا را بالا می‌برد. همچنین در بعد منطقه‌ای، (همان‌گونه که قبلاً ذکر شد) حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند سبب افزایش ضریب نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی در زمینه‌های مختلف تجاری، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... شود.

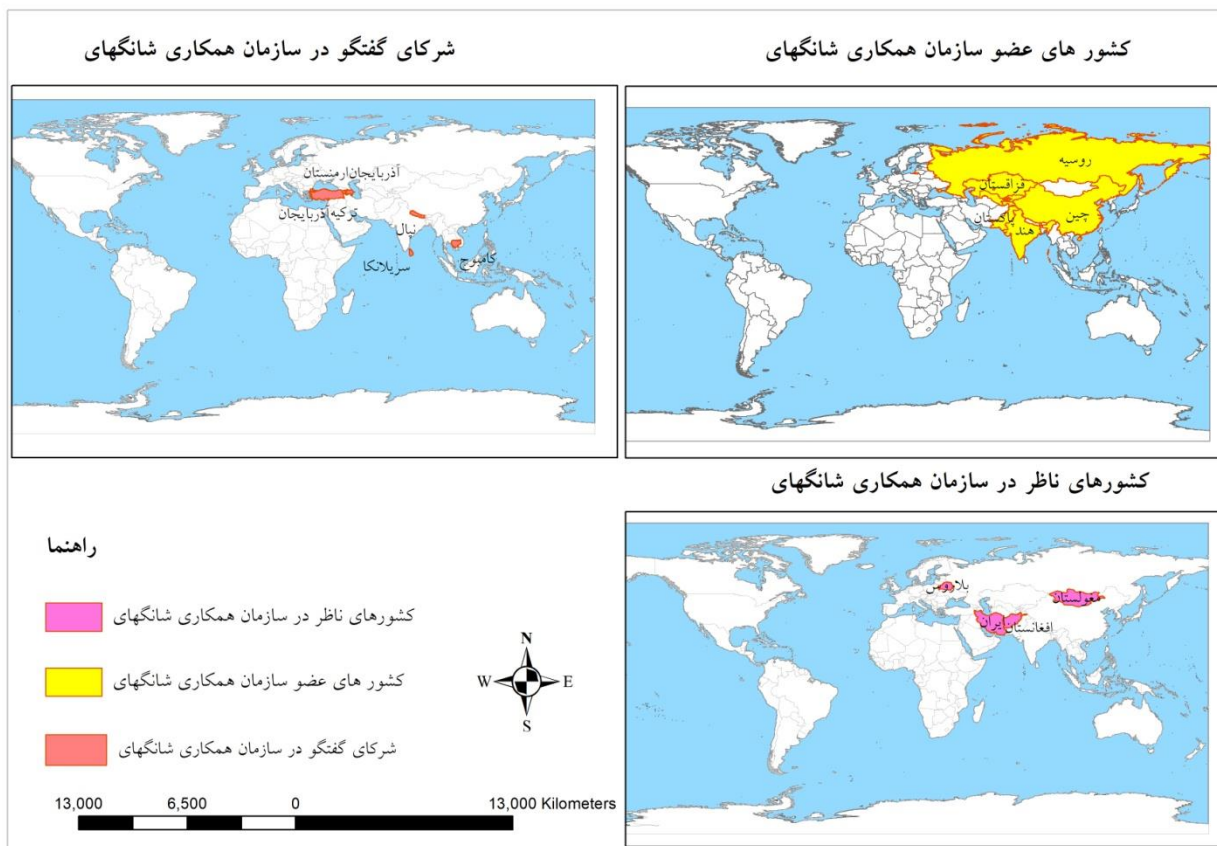
ارائه تصویر مثبت از ایران در سطح جهان: پیوستن ایران به سازمان شانگهای که بر مبارزه تروریسم، جدایی‌خواهی و جلوگیری از بنیادگرایی و تندروی مذهبی تأکید دارد، به جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران به روشنی و با اراده راسخ، رویارویی با این سه خطر منطقه‌ای و جهانی را جزو برنامه‌های کلان و اصول سیاست خارجی خود قرار داده است و این می‌تواند بخشی از تبلیغات و فرافکنی‌های ایالات متحده و برخی از هم‌پیمانان غربی را بی‌اثر سازد.

کاهش تهدیدات منطقه‌ای برای ایران: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حلقه‌ای دیگر بر حلقه‌های متداخل منطقه‌ای ایران افزوده شد و از آن پس، ایران از مسائل، نگرانی‌ها و درگیری‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز متأثر گشته است. اگر امنیت ایران را از نظر جغرافیایی با امنیت آسیای مرکزی گره خورده فرض کنیم، سازمان همکاری شانگهای، همخوان‌ترین نهاد منطقه‌ای با این تئوری است. به هر روی، عضویت در سازمان همکاری شانگهای به کاهش تهدیدهای منطقه‌ای نسبت به ایران می‌انجامد. (Haghshenas & bashiri, 2011: 92). «ایران نه تنها می‌بایست در مسائل آسیا فعال باشد بلکه با حضور نظامی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند عمده‌ترین قدرت در عرصه آسیا باشد و در بدست آوردن این جایگاه، چگونگی ارتباط با سازمان شانگهای دارای اهمیت است. عضویت ایران در سازمان، ضمن کاهش تهدیدهای منطقه‌ای و افزایش مشارکت در همکاری‌های منطقه‌ای، تأمین منافع ملی و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران را در پی خواهد داشت. در منطقه پیرامون مرزهای شمالی نیز این سازمان می‌تواند مهمترین نهاد سازگار با منافع ایران باشد. ایران با عضویت دائم و حضور فعال می‌تواند موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود را افزایش دهد و از فرصت ویژه ترانزیت کالا و انرژی بهره برده و سازمان را به خلیج فارس متصل نماید.» (MohammadzadehAvandi & Mahkouii, 2018: 247)



تصویر شماره ۱: عملکرد و نحوه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای

منبع: (آشنایی با سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۷/۵/۷، <http://hamshahrionline.ir/details/59322>)



نقشه شماره ۲: موقعیت کشورهای عضو، ناظر و شرکای گفتگو در سازمان همکاری شانگهای

Source: Research findings

تجزیه و تحلیل

بجای اتحاد با این و تقابل با آن، می‌توان همکاری و رقابت را توأمان داشت. خروج از ذهنیت سیاه و سفید و داشتن تحلیل واقع‌بینانه، علمی و غیراحساسی از تحولات عرصه بین‌الملل، پیش شرط ورود به گروه‌بندی و ائتلاف می‌باشد. کشورها به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، بنابراین کشورها با هدف دستیابی به آرمان‌هایی که

بدون همکاری جمعی امکان پذیر نیست، تلاش می‌کنند تا با تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای سبب رونق اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولید در یک منطقه جغرافیایی شوند. (Omidi,2006:125) سازمان‌های منطقه‌ای مختلفی چون اتحادیه اروپا در اروپا، آسه‌آن در آسیای شرقی، نفتا در آمریکای شمالی و مرکوسور در آمریکای جنوبی از سازمان‌های منطقه‌ای موفق هستند که در رشد اقتصادی اعضای خود نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. اصولاً زمانی که امنیت ملی دغدغه اصلی هر کشوری باشد، اهمیت سازمان‌های منطقه‌ای پررنگ‌تر می‌گردد. (Amooyee & Rahimi,2011:235) پیوستن به روند مبادلات منطقه‌ای و جهانی که منجر به عملیاتی شدن عرصه وابستگی متقابل چندجانبه در روابط اقتصادی، انرژی، سیاسی و امنیتی کشور می‌شود، ضمن کاهش تهدیدها علیه کشور با افزایش نقش و تأثیرگذاری آن، دستیابی به امنیت ملی را تسهیل می‌سازد. (Kiani,2015:52) وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی است که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای را ایجاب می‌کند. (Ezati & YazdanPanah,2007:61)

کارل دویچ، همگرایی و ادغام منطقه‌ای را در راستای تحقق بخشیدن به چهار وظیفه می‌داند: الف- حفظ صلح و امنیت؛ ب- دستیابی به تواناییهای چند منظوره بیشتر؛ پ- تحقق بخشیدن به برخی وظایف خاص؛ ت- دستیابی به هویت بخشی. تحقق و یا شکست وظایف مذکور، به شرایط بنیادین حاکم در درون و یا بین واحدهایی بستگی دارد که وارد فرایند همگرایی و ادغام خواهند شد. (Akbarian & Pourjam,2012:180)

سازمان همکاری شانگهای اولین سازمان بین‌المللی و امنیت جمعی است که مقر آن در چین است. از دیدگاه تفکر راهبردی سیاست خارجی چین، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند منجر به گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین به منطقه آسیای مرکزی شده و عمق استراتژیک چین را در هنگام مقابله با ناآرامی‌های محتمل آبی در شرق استان سین‌کیانگ، گسترش دهد. (Tabatabaei,2011:176) سازمان همکاری شانگهای متشکل از سه دسته کشورها می‌باشد: ۱- اعضای اصلی ۲- اعضای ناظر، شامل مغولستان (۲۰۰۴)، ایران (۲۰۰۵)، بلاروس (۲۰۱۰)، افغانستان (۲۰۱۲)، ۳- اعضای مورد گفتگو شامل سریلانکا (۲۰۰۹)، ترکیه (۲۰۱۲)، نپال (۲۰۱۵)، کامبوج (۲۰۱۵)، آذربایجان (۲۰۱۵)، ارمنستان (۲۰۱۵) (Marcel de Haas,2016: 378-406). چین و روسیه تلاش کرده‌اند تا با تقویت سازوکارهای منطقه‌ای با موازات ایجاد انسجام داخلی به تضعیف ایده نظم تک قطبی مورد نظر آمریکا بپردازند. در واقع از ابتدای مطرح شدن این ایده، این دو کشور هرگز پنهان نکرده‌اند که از هر وسیله‌ای برای تضعیف آن استفاده خواهند کرد. همکاری گسترده دو رهبر در سازمان همکاری شانگهای و پذیرش قدرت‌های منطقه‌ای ایران، هند و پاکستان به عنوان ناظر و در پی آن، مطرح شدن درخواست برای خروج آمریکا از آسیای مرکزی از سوی اعضای سازمان، نشان دهنده تلاش کشورهای بلوک شرق تازه برای حفظ محورهای ژئواکونومیک - ژئواستراتژیک اوراسیا است. (Aghaei & Rahdar,2015:201) سر بر آوردن سازمان‌هایی همانند شانگهای از سوی استراتژیست‌های سیاست خارجی آمریکا در راستای تهدیدی جهت برتری هژمونیک آمریکا در عرصه جهانی ارزیابی شده است. (Tabatabaei, 2011:182)

به لحاظ اقتصادی، عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های اقتصادی و سبب افزایش همکاری دوجانبه و چندجانبه میان اعضای سازمان و جمهوری اسلامی ایران

شود. همچنین امکان بهره‌گیری از امکانات اقتصادی چین در بازار انرژی جمهوری اسلامی ایران و صادرات بیشتر نفت به چین فراهم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از کانال سازمان همکاری شانگهای امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و تقویت نفوذ اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی را فراهم کند. در عین حال، با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران بخش اساسی از کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب است که در سال ۲۰۰۳ میان هند، ایران و روسیه در سن پترزبورگ امضا شد، عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند امکان استفاده از فرصت‌های ترانزیتی برای جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند. (Berdibaevich, 2015:7) ایران در خاورمیانه، چین در آسیای شرقی و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، داعیه هژمونی منطقه‌ای دارند. از این رو می‌توان چنین عنوان کرد که هر یک از این کشورها در حوزه‌ای مجزا قرار گرفته و منافع هر یک از آنها در مناطق تحت نفوذ دیگری در مسائل اقتصادی خلاصه شده است و شامل مسائل حیاتی نظامی و امنیتی نمی‌شود. (Ezati & YazdanPanah, 2007:70) خط‌مشی منطقه‌ای بر سر نفت و گاز که در برگیرنده سازوکاری جهت سازمان دادن به مناسبات منطقه‌ای و همکاری متقابل برای چیره شدن بر اختلافات فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی باشد، قابل تصورات است. چنین ترکیبی منافع آشکاری را برای ایران عرضه می‌کند و در ابتدایی‌ترین سطح بر تقویت مؤلفه‌های امنیت ملی موثر است. (Kiani, 2015:52)

پتانسیل‌های عظیم شانگهای، برای توسعه و قدرت‌گیری هرچه بیشتر، نوع چیدمان اعضای آن، اهداف و مقاصدی که دنبال می‌کند و احتمال ورود بازیگران جدید به جمع حاضر که می‌تواند عرصه مانور سازمان را گسترش دهد و وجود تشکلهای اساس در روابط دو ستون اصلی شانگهای - روسیه و چین - با امریکا وضعیت قابل تأملی را به این سازمان داده است. بهم پیوستگی اقتصادهای کشورهای منطقه، ایجاد بازار مشترک در زمینه تبادل کالاها، خدمات و تکنولوژی، اتصال خطوط انتقال انرژی نفت و گاز، استفاده از تسهیلات بندری ایران، اتصال سیستم بانکداری و تجارت و تقویت توریسم، خطوط کشتیرانی، حمل‌ونقل هوایی، رفع محدودیت‌های گمرکی و مزایا می‌تواند زمینه‌های وابستگی متقابل در تمام زمینه‌ها را فراهم کند که به نوبه خود کشورها را در برابر امنیت جمعی مشترک مسئول و پاسخگو می‌سازد. تقاضای عضویت ایران در سازمان شانگهای پس از بررسی‌های اولیه کارشناسی، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ ش ارائه و سند پیوستن ایران به همراه پاکستان و هند به عنوان ناظر در اجلاس سران سازمان در شهر آستانه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ تیرماه ۱۳۸۴ امضاء شد. (Shamsianfard, 2006:24) که با پیوستن دو کشور هند و پاکستان شرایط بهتری برای عضویت ایران فراهم شده است. به اعتقاد علی اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب معتقد است که اگر کشورهای عضو شانگهای در کنار هم قرار گیرند، با عزم راسخ و تدبیر لازم به سمتی خواهند رفت که بزرگ‌ترین مجموعه قدرتی جهان را در خود جای خواهد داد. (Hajiyosafi & Alvand, 2008:185) سازمان همکاری شانگهای با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک اعضای خود از اهمیت زیادی در نظام بین‌الملل برخوردار است. بهره‌گیری سازمان همکاری شانگهای از ظرفیت‌ها و شناسایی و برطرف نمودن چالش‌های خود می‌تواند باعث ارتقای نقش سازمان همکاری شانگهای و نیز قاره کهن آسیا در نظام نوین بین‌المللی گردد. اجماعی در بین صاحب نظران روابط بین‌الملل در حال شکل‌گیری است که ظهور آسیا در نظام

بین‌الملل، امری کم‌وبیش قطعی بوده و آسیا از سرنوشت سازترین مناطق جهان می‌باشد. (Vosoughi & partners, 2011:205)

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در ابتدا با پذیرش مفهوم متداول از آسیای مرکزی به عنوان منطقه‌ای متشکل از پنج جمهوری استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی، محیط امنیتی غالب در این منطقه و تهدیدهای امنیتی در این محیط را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. منافع مشترک اقتصادی بویژه پتانسیل‌های فراوان منطقه برای درآمدهای سرشار از انرژی، قرابت جغرافیایی، تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک یاد شده و نیز، وجود همبستگی‌های تاریخی و فرهنگی، سبب شده است که منطقه آسیای مرکزی را بتوان چونان مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای مطالعه کرد، لذا در راستای نتیجه‌گیری این مقاله با دو موضوع روبه‌رو هستیم، دولت‌های بزرگ غربی و دخالت آنها به ویژه آمریکا و ناتو از یک طرف باعث بی‌نظمی امنیتی و اختلاف در برخی از مناطق آسیا و برهم زنده توازن و تعادل در این منطقه بوده‌اند و باعث نزدیکی روابط ایران، روسیه و اعضای سازمان همکاری شانگهای شده است از سوی دیگر با توجه به جهانی شدن تهدیدات و بخصوص تهدیدات تروریسم و همکاری روسیه با ایران این مسئله ممکن است باعث شکل‌گیری یک ائتلاف بر علیه تروریسم (مانند همکاری ایران و روسیه در سوریه) و گسترش روابط امنیتی میان ایران و اعضای سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی شود. موضوعاتی که در صورت وقوع آنها بهترین شیوه رسیدگی مشترک به موضوعات و مسائل منطقه‌ای برای ایران، کشورهای منطقه و اعضای سازمان همکاری شانگهای بوده و راهکارهای سودمندی برای مطرح ساختن منافع و خواسته‌های ملی - منطقه‌ای ایران را در سطح جهانی فراهم می‌کند لذا عضویت ایران در این ائتلاف و همکاری امنیتی باعث کاهش حجم تهدیدها، ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌ها در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی شده و افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. لاجرم در پایان، راهکارهای زیر، برای بهتر شدن و تسریع در روند عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای ارائه می‌گردد:

۱. جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی یکی از اولویت‌های اصلی خود را توجه هر چه بیشتر به منطقه آسیای مرکزی قرار بدهد؛
۲. تعامل هرچه بیشتر با کشورهای منطقه، به ویژه در زمینه کشاورزی و صادرات محصولات در زمینه آب مجازی، با توجه به وضعیت خوب منابع آبی برخی کشورهای این منطقه از جمله قرقیزستان؛
۳. می‌توان با توجه قرابت فرهنگی و دینی که وجود دارد، با کشورهای این منطقه در زمینه فرهنگی همچون تورسیم فرهنگی، اقدامات زیادی انجام داد؛
۴. کشورهای آسیای مرکزی با توجه به محصور بودن در خشکی، در دسترسی به سواحل دریاها برای صادرات محصولات خود، به شدت نیازمند هستند، بنابراین حوضه دریای عمان و خلیج فارس می‌تواند کمک شایانی به این کشورها نماید؛ از این رو دولت ایران می‌تواند از این حربه استفاده لازم را ببرد؛

References

Abbas, maleki (2003) Is the Caspian Sea Important for All Players? Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus, No 43. [In Persian]

- Aghaei, Davood and Rahdar, Hussein; "The role of the Shanghai Cooperation Organization in establishing order based on the balance of power", (2014); Central Eurasian Studies, Volume 8, p.2. [In Persian]
- Akbaryan, Reza and Pourjam, Bahareh; "Globalization and Economic Transition in the Middle East", (2012); Political Information and Economic, p. 287. [In Persian].
- Akbarzadeh, shahram. (2016). "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and Realpolitik in Iranian Foreign Policy", Australian journal of international affairs: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10357718.2014.934195>
- Amirahmadian, Bahram. (2014). "Geopolitical, Geostrategic, And Eco-Strategic Importance Of Central Asia," Institute For International And Political Studies (IPIS).
- Andrew, Philip & Paul, James. (2013). "National Identity Between Tradition And Reflexive Modernization: The Contradictions Of Central Asia. Retrieved from: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan011692.pdf>:pp24-30
- Amooyee, Hamed and Rahimi, Saman, "Globalization of Economics and Strategies for Iran's National Interest", (2011); Quarterly Journal of Political Science, volume 15. [In Persian].
- Berdibaevich Stambulov Serik and Others. (2015). the Main Problems of SCO Enlargement at the Present Stage, Asian Social Science, Vol. 11, No. 13; 2015 ISSN 1911-2017 E-ISSN 1911-2025
- Britannica Encyclopedia. (2018), "Central Asia". Retrieved From: <https://www.britannica.com/place/Central-Asia>.
- Buzan, barry, (1999), People, States and Fear, Translation of Strategic Studies Research Institute, Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Elaheh, koolaei (2005) NATO and Central Asia Security, Middle East Studies Quarterly, No 3. [In Persian]
- Ezati, Ezzatollah and Yazdan Panahdro, Kiumars," An Analysis of the Geopolitics of the Economic-Security Alliance, Emphasizing the Perspective of Iran's Membership in the Organization", (2007); Geopolitics, Third Year, volume 3. [In Persian]
- Familiarity with the Shanghai Cooperation Organization, July 28, 2008, <http://hamshahrionline.ir/details/59322>. [In Persian]
- Hafezniya, mohammad, Reza et al, (2007), Iran's Geopolitical Interests in Central Asia and Future Opportunities, Geopolitical Quarterly, 3th year, No 3th. [In Persian]
- Haghshenas, Mohammad Javad and Bashiri, Said, (2011), NATO and Iran's tendency towards the Shanghai Cooperation Organization. Political-Economic Magazine, No 284. [In Persian]
- Hajiyosafi, Amir Mohammad and Alvand, Marziehsadat," Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Hegemony and Anti-hegemoney", (2008); Political Science Research, Third Year, volume 2. [In Persian]
- Kiani, Vahid (2015), "Regional integration requirements among Persian Gulf states with an emphasis on energy diplomacy", Journal of Cultural and Political Studies of the Persian Gulf Volume 2, p.3. [In Persian]
- Kirchner, J. Mil, Roberto Dominguez, (2013), Regional Organizations and Security Management, Dr. Majid Abbasi, Abrar Publications, Specialty Book. [In Persian]
- Kooshki, mohammad sadegh and Hoseini, Seyed Mahmood, (2017); The opportunities and challenges of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization, Political Quarterly, Volume 47, No3. [In Persian]
- Marcel de Haas. (2016). The Journal of Slavic Military Studies. Volume 29, 2016 - Issue 3. Published online: 02 Aug 2016
- Mariya Y. Omelicheva. (2017). Instrumentalization of Islam in Central Asia: Using Religion for Legitimizing the Governing Regimes, Euxeinos 23.
- Mohammadzadeh Ravandi, Mahdi and Mahkouii, Hojjat, (2018); Globalization of the economy and the necessity of regional economic convergence of Iran, Shanghai

- Cooperation Organization Case Study, Quarterly journal of political and international research, 9th year, No 35th. [In Persian]
- Omidi, Ali;" Geopolitical Effect on the ECO Convergence and growth of ACN", (2008) Geopolitical Quarterly, Second Year,volume. [In Persian]
- Refie, hosein and Ja'fari tehrani, Peyman and taghinejad, Rouhallah, (2011), Scientific-Research Quarterly of Defensive strategy. 9th year, No 35th. [In Persian]
- Rezaei, Alireza and Salehi, Abbas (2010); Shanghai Cooperation Organization and Permanent Membership of Iran, 3th year, No 9th. [In Persian]
- Shamsianfard, Hamid; "Shanghai Cooperation Organization and Iran's Future", (2006)-Economic Monthly, pp.224-223. [In Persian]
- Somboli, Nabi, (2002), Iran and Central Asia's political security environment after September 11th, Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus, No 31. [In Persian]
- Tabatabaei, Seyed Ali " A comparative study of the strategic approach to China, Russia, America, India, Pakistan and Iran to the Shanghai Cooperation Organization", (2011); Journal of strategy, the twentieth year, p.60. [In Persian]
- Vosoughi, Said, Emamjomehzadeh, Sydjvad and Divsalar, M., "The Islamic Republic of Iran and the Central Asian regional security arrangements", (2011),Journal of defense strategy, the ninth year,N 32. [In Persian]
- <http://centralasiadaily.org/news/foreign-relations/229-three-central-asian-countries-rated-by-global-competitiveness-index-2017-2018.html>.
- <http://www.trt.net.tr/persian/qtsd/2017/06/13/hjm-qtsdy-szmn-hmkhry-shngly-bh-15-trylywn-dlr-rsyd-752046>

Russian References

- Лапаева В.В. (2014), Политико-правовая концепция Ю. Хабермаса (с позиций либертарного правопонимания)//<http://igpran.ru/articles/2964/> Последнее обращение
- Тараканова Тамара Сергеевна. (2017). Экономическое сотрудничество Китайской Народной Республики со странами Шанхайской организации сотрудничества, Санкт-Петербургский политехнический университет Петра Великого (Санкт-Петербург), УПРАВЛЕНЧЕСКОЕ КОНСУЛЬТИРОВАНИЕ. № 3.
- М.С. Тулеев. (2016). ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ: АФГАНИСТАН И СОВРЕМЕННЫЕ АСПЕКТЫ ГЕОПОЛИТИКИ, Вестник КРСУ. Том 16. № 6.
- Чжоу Цзюнь. (2017). Значение государств Центральной Азии в мировой политической системе, УПРАВЛЕНЧЕСКОЕ КОНСУЛЬТИРОВАНИЕ. № 3.
- С. И. Сумкин. (2016) ГЕОПОЛИТИЧЕСКОЕ ЗНАЧЕНИЕ СРЕДНЕЙ АЗИИ, Институт национальной и экономической безопасности, Байкальский государственный университет УДК 327.2(575).
- ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ: ОДНО ПРОШЛОЕ И ОБЩЕЕ БУДУЩЕЕ, СОТРУДНИЧЕСТВО РАДИ УСТОЙЧИВОГО РАЗВИТИЯ И ВЗАИМНОГО ПРОЦВЕТАНИЯ», Коммюнике Международной конференции по обеспечению безопасности и устойчивого развития в Центральной Азии под эгидой ООН (Самарканд, 10-11 ноябрь 2017г.)